

حقوق اقلیت‌های نژادی

در

پرتو اسناد بین‌المللی

زاد محمدی

محقق دوره دکتری حق بین‌الملل عمومی و مدرس دانشگاه

با مقدمه

دکتر سید باقر میرعباسی

استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

سرشناسه	: محمدی، عادل، ۱۳۶۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: حقوق اقلیت‌های نژادی در پرتو اسناد بین‌المللی / عادل محمدی: با مقدمه سیدباقر میرعباسی
مشخصات نشر	: تهران: خرسندی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۱ ص.
شابک	: 978-600-114-766-1
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: اقلیت‌ها -- وضع حقوقی و قوانین
موضوع	: Humanitarian law
موضوع	: حقوق بین‌الملل بشر - دوستانه
موضوع	: Minorities -- Legal status, laws, etc
موضوع	: تبعیض نژادی -- ایالات متحده
موضوع	: Race discrimination -- United State
شناسه افزوده	: میرعباسی، سیدباقر، ۱۳۲۲ -، مقدمه‌نویس
رده‌بندی کتاب	: ۱۳۹۶ ح ۳/م ۳۲۴۲ K
رده‌بندی دیوپی	: ۳۴۶/۰۱۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۲۰۱۴۲



انتشارات خرسندی

نمایشگاه و فروشگاه کتب علمی، حقوقی و مجموعه قوانین

تهران، خیابان انقلاب - خیابان فخر رازی - خیابان لبافی‌نژاد - نبش به خیابان دانشگاه - پلاک ۱۷۴ - واحد ۲

تلفن: ۵ - ۶۶۹۷۱۰۳۴ و ۵ - ۶۶۹۷۱۰۳۴

فروشگاه شماره ۱: دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تلفن: ۶۶۴۱۰۲۰۳

فروشگاه شماره ۲: میدان انقلاب، خ منیری جاوید (اردیبهشت)، پلاک ۹۱، تلفن: ۶۶۷۵۵۹۱۰ - ۶۶۹۵۰۷۵۹

فروشگاه شماره ۳: خ انقلاب، نرسیده به میدان فردوسی، کوچه شهید برانی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد،

طبقه زیرین (قسمت کتابفروشی): ۶۶۷۵۵۹۱۰

پست الکترونیک: Khorsandy.pub@gmail.com

سایت اینترنتی: WWW.Khorsandypub.com

حقوق اقلیت‌های نژادی در پرتو اسناد بین‌المللی

عادل محمدی

چاپ اول: ۱۳۹۶ / تیراژ: ۵۰۰ جلد / قیمت: ۱۷۰,۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-114-766-1

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۴-۷۶۶-۱

۱۱	پیشگفتار
۱۷	مقدمه
۲۱	فصل اول - تبعیض نژادی و تاریخچه‌ی آن در ایالات متحده‌ی آمریکا
۲۳	گفتار اول: نژاد پرستی و تبعیض نژادی
۲۷	گفتار دوم: دیدگاه اسلام در مقابل نژاد پرستی و تبعیض نژادی
۲۸	گفتار سوم: تبعیض علیه اقلیت‌های نژادی در ایالات متحده‌ی آمریکا
۳۲	گفتار چهارم: برآیند نژاد پرستی در ایالات متحده‌ی آمریکا
۳۷	فصل دوم - حقوق اقلیت
۳۹	مقدمه
۴۱	گفتار اول: فردی، جمعی یا گروهی بودن حقوق اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل
۴۴	گفتار دوم: حقوق اقلیت‌ها
۴۴	حق موجودیت
۴۶	حق برابری در پیشگاه قانون، فارغ از منشاء نژادی، قومی، ملی، مذهبی و زبانی
۴۶	حقوق فرهنگی
۴۸	حق آموزش و داشتن سیستم آموزشی به زبان مادری و تحصیل به این زبان
۵۵	استفاده از زبان اقلیت‌ها در رسانه‌های جمعی و گروهی
۵۷	استفاده از زبان در نهادهای فرهنگی، خدمات و فعالیت‌های فرهنگی و زندگی اقتصادی و اجتماعی
۶۱	حق پناهندگی به دلیل ترس موجه از تعقیب به سبب نژاد، دین، ملیت، عضویت در یک گروه خاص اجتماعی، یا اعتقاد خاص سیاسی
۶۱	حق پرداخت غرامت
۶۱	حق تعیین سرنوشت
۶۲	گفتار سوم: حق تعیین سرنوشت
۶۲	مقدمه
۶۵	بند اول: حق تعیین سرنوشت بعد از تشکیل سازمان ملل متحد

بند دوم: حکومت اقلیم کردستان عراق.....	۷۱
بند سوم: حق تعیین سرنوشت در سودان جنوبی.....	۷۶
فصل سوم- حمایت از اقلیت‌های نژادی در اسناد بین‌المللی و سازمان‌های منطقه‌ای.....	۷۹
مقدمه.....	۸۱
گفتار اول: کنوانسیون حذف کلیه‌ی اشکال تبعیض تبعیض نژادی.....	۸۵
بند اول) تبعیض نژادی در کنوانسیون حذف کلیه‌ی اشکال تبعیض نژادی.....	۸۸
بند دوم) این تائیدات وارده به عنوان تبعیض توسط کشورها در کنوانسیون حذف اشکال تبعیضی.....	۹۱
بند سه) حق اقلیت‌های نژادی در کنوانسیون.....	۹۳
گفتار دوم: کمیته‌ی حذف تبعیض نژادی.....	۹۷
بند اول) ساختار کلی کمیته.....	۹۷
بند دوم) سیستم گزارش‌دهی توسط دولت‌ها.....	۹۸
بند سوم) عدم رعایت مقرر شده و ارجاع شکایت به کمیته‌ی رفع تبعیض نژادی.....	۹۹
بند چهارم) رسیدگی ماهوی به شکایات و رفع تبعیض اقلیت‌های نژادی توسط کمیته.....	۱۰۱
بند پنجم) گزارش به ارکان سازمان ملل.....	۱۰۶
گفتار سوم: کنوانسیون منع و مجازات تفکیک نژادی (آپارتاید).....	۱۰۶
مقدمه.....	۱۰۶
بند اول) تعریف آپارتاید.....	۱۰۸
بند دوم) مسئولیت کیفری بین‌المللی عاملان آپارتاید.....	۱۱۲
بند سوم) حقوق متعلق به اقلیت‌های نژادی در کنوانسیون منع و مجازات تفکیک نژادی (آپارتاید).....	۱۱۲
بند چهارم) سیستم گزارشی و نظارتی در کنوانسیون منع و مجازات آپارتاید.....	۱۱۴
گفتار چهارم: اعلامیه‌ی برنامه‌ی اقدام برای مبارزه علیه نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه‌ستیزی و نابرابری‌های مربوط به آن.....	۱۱۵
گفتار پنجم: نقش سازمان‌های منطقه‌ای در حمایت از اقلیت‌های نژادی.....	۱۱۶
مقدمه.....	۱۱۶
بند اول) نظام اروپایی حمایت از اقلیت.....	۱۱۸
بند دوم) نظام آمریکایی حمایت از اقلیت.....	۱۲۲
نتیجه‌گیری.....	۱۲۵

- ضمائم ۱۳۵
- ضمیمه شماره یک - کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید ۱۳۷
- ضمیمه شماره دو - کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی مصوب ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ ۱۴۵
- ضمیمه شماره سه - اعلامیه جهانی حقوق زبانی (یکشنبه ۲۲ مه ۲۰۰۵) ۱۶۰
- ضمیمه چهارم - کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز کشورهای طرف این کنوانسیون (میثاق) ۱۷۹
- منابع ۱۹۵

پیشگفتار

امروزه که در کشوری در دنیا وجود دارد که بتواند ادعای خالص بودن ساکنین آن کشور را از یک نژاد با یک آیین، یک زبان و یک فرهنگ مشترک داشته باشد. شاید بتوان گفت که مسئله‌ی حقوق اقلیت‌ها در برابر آنان با گروه اکثریت همواره و از قدیم‌الایام وجود داشته است. بر اثر وجود این درگیری‌ها و با وسع‌ی وسایل حمل و نقل و گسترش آزادی‌های فردی و جمعی در برخی کشورها، شاهد جابه‌جایی و نقل مکان افراد از این سو به آن سو بوده‌ایم. همین امر موجب رشد اقلیت‌ها علی‌الخصوص اقلیت‌های نژادی در برخی کشورها منجمله کشورهای اروپایی گردیده است. در تمام دوران قرون وسطی و تسلط کلیسا بر اروپا تمامی قوانین و مقررات اجتماعی تحت سلطه‌ی قوانین مذهبی شکل می‌گرفت. حاکمان کلیسا بر تمام جنبه‌های زندگی مردم حکومت می‌کردند. به تبع جنبه‌های حقوقی روابط افراد چه در سطح داخلی و چه در سطح خارجی نیز تحت سلطه‌ی کلیسا بود. رعایت حقوق اقلیت‌ها و نژادی و تأمین همزیستی مسالمت‌آمیز میان گروه اکثریت و گروه اقلیت همواره دغدغه‌ی جهانیان و بالأخص حقوق‌دانان بوده است. براساس همین نگرش همواره حقوق‌دانان در پی آن بوده‌اند که به واسطه‌ی میان اقوام و قومیت‌های مختلف از هر نژاد و مذهب یک ارتباط زیستی مسالمت‌آمیز برقرار کنند. جامعه‌ای که در آن حرف از قوم و قومیت، یک نژاد و مذهب یا به تعریفی دیگر سخن از سیطره‌ی یک اندیشه و نظر منفعت طلبانه‌ی گروهی خاص نباشد. شاید به گونه‌ای دیگر بتوان گفت که این آرمان بشریت است که جامعه‌ای مردم‌سالار بدون در نظر گرفتن مذهب، قومیت، نژاد، زبان و ... تشکیل دهد و پیوستگی انسانی در تمام زمینه‌های زیستی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی در آن تأسیس گردد. با تشکیل اتحادیه‌ی اروپا دوستداران بشریت این آرزوی دیرینه را

دست یافتنی‌تر دیدند. می‌توان گفت که اتحادیه‌ی اروپا توانسته است تا حدی این چندگانگی برتری‌جویی و خود برترینی نژادی، مذهبی، زبانی و ... را کنار گذاشته و به سوی جامعه‌ای مردم‌سالار خارج از سیطره‌ی یک اندیشه، نظر و رأی خاص حرکت کند. شاید در تعالیم مذهبی و انسانی همواره تأکید بر برابری و برادری میان یک مذهب خاص یا تمامی انسانها شده است، اما به نظر می‌رسد که واقعیت از دیدگاه دیگران حتی مذهبیون چیزی به غیر از این باشد. تبعیض علیه اقلیت‌های نژادی در اشکال مختلف نژادپرستی، آپارتاید و نسل‌کشی جلوه می‌کند. پیشینه‌ی نژادپرستی به نظریات «کنت دو گوبینو» نویسنده‌ی فرانسوی می‌رسد که آن را در سال ۱۸۵۲ م^۱ منتشر نمود. و در قرن بیستم نیز بزرگترین حامی آن استوارت چمبرلین بود.^۲

تبعیض علیه اقلیت‌های نژادی از دیرباز وجود داشته و در دنیای به اصطلاح متمدن امروزی نیز در جریان است.

- کشتار اقلیت‌های مسیحی توسط حکامان یهودی و غیر یهودی اروپایی در صدر تاریخ مسیحیت.

- قتل تامل‌ها در سریلانکا و آنگیر با دولت مرکزی.

- کشتار غیر اعراب در جنوب سودان.

- کشتار هزاران مسلمان بوسنیایی به دسته صرب‌های نژادپرست در جریان پاکسازی قومی.

- قتل عام حدود هشتصد هزار مرد، زن و کودک به آمار سازمان ملل متحد و یک میلیون و هفتاد و

یک هزار نفر از توتسی و هوتوهای میانه‌رو به آمار دولت رواندا به دست هوتوها^۳ و ... همه و

از نشانه‌های آشکار تبعیض علیه اقلیت‌ها می‌باشد. تبعیض مانع از برابری اقلیت‌های نژادی در تمتع و

استیفای حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با سایر گروه‌های اجتماعی می‌گردد. در

اسناد و معاهدات بین‌المللی ارانه‌ی تعریفی دقیق از اقلیت‌های نژادی وجود ندارد. حتی در

اساسنامه‌ی دیوان بین‌المللی نیز به ذکر گروه‌های قومی، نژادی، ملی یا مذهبی اکتفا گردیده و از

تعریف آنها خودداری شده است. هرچند که این امر به دلیل خودداری دولت‌ها از محدود کردن

خود بوده نه چیز دیگر. بر همین اساس سؤالات زیادی از جمله:

۱: تعریف اقلیت‌های نژادی و اینکه عناصر لازم در تعریف آن کدامند؟

۱- میلادی

۲- آلمانی انگلیسی‌تبار بود.

۳- برگرفته از ویکی پدیا

- ۲: حقوق اقلیت‌های نژادی با توجه به معاهدات و مواظنامه‌های بین‌المللی کدامند؟
- ۳: آیا این حقوق اعطایی ماهیتی فردی دارند یا جمعی؟ و اینکه آیا این حقوق به یک فرد تعلق دارد یا به تمام گروه نژادی؟

۴: تعهد دولت‌ها در رعایت این حقوق تا چه میزان می‌باشد؟

۵: نقش رویه‌ی قضایی در تعریف و شناسایی مبانی حقوقی اقلیت‌های نژادی تا چه حد می‌باشد؟

در بیشتر کشورهای دنیا معمولاً میان اکثر ساکنین آن عوامل مختلفی همچون نژاد، مذهب، قومیت، زبان مشترک، منافع اقتصادی مشترک و... وجود دارد و همین عوامل سبب نزدیکی مردم آن سرزمین به یکدیگر و دست یافتن به یک هویت ملی می‌گردد. همین عامل نیز باعث مشخص و محسوس شدن مردم یک سرزمین یا کشور از مردم دیگر کشورها می‌گردد. قومیت یکی از مهمترین عوامل به وجود آمدن حس هویت ملی است. برای اینکه بتوان مردمی را از یک قوم یا یک ملیت خاص دانست، عوامل مهمی چون ساختارهای نژادی، سابقه‌ی تاریخی، خویشاوندی قومی، همزیستی و منوگرافی جغرافیایی، هم‌گونگی فرهنگی و به خصوص اشتراکات زبانی نقش به سزایی دارند. قوم را مجموعه‌ای از افراد گروه‌های به هم پیوسته گویند که دارای روابط پیشینه‌ی پیوند خانوادگی و سرگرفته از یک تبار را تشکیل می‌دهد یا چند خانواده‌ی پیوسته باشند و این مجموعه دارای نژاد، زبان، فرهنگ، منطقه‌ی زیست مشترک باشند.^۱ حال ممکن است افراد یک قوم از نظر مشخصات جسمانی و فیزیکی مانند بلندی و کوتاهی قد، رنگ مو و رنگ چشم یا حتی لهجه‌ی افراد و گویش با هم اختلاف داشته باشند. این اختلافات در یک دوره‌ی زمانی طولانی و معمولاً بر اثر ازدواج و آمیزش جنسی پیش می‌آید. تشکیل تمامی این عوامل با هم موجب به وجود آمدن یک ملت می‌گردد. «ملت به آراسته مردم اطلاق می‌شود که در یک سرزمین مشخص به سر برده و خود را به علت دارا بودن خصوصیات مشترک از قبیل زبان، فرهنگ، تاریخ و مرام سیاسی متعلق به یکدیگر دانسته و برای حفظ این ارزش‌هاست که یک ملت خواهان تشکیل یک واحد سیاسی می‌گردد».^۲ این تنها تعریف صورت گرفته از ملت نیست و آن را می‌توان اینگونه نیز تعریف کرد که: «ملت به گروهی اطلاق می‌شود که به دلایلی خود را متعلق به یکدیگر و وابسته به هم می‌دانند. این دلایل ممکن است ملموس و عینی باشد،

۱. پورشاهیان، اسماعیل، تاریخ‌شناسی قومی و حیات ملی، انتشارات نشر و پژوهش فروزان، صفحات ۱۸ و ۱۹

۲. میر حیدر مهاجرانی، دره، مبانی جغرافیای سیاسی، انتشارات سمت، تهران ۱۳۷۱ ص ۱۳

مانند زبان، فرهنگ، دین، آداب و رسوم اجتماعی، سرزمین مشترک، تاریخ مشترک و عامل نژادی، یا بر اساس عوامل مشترک دیگری باشد.^۱ تمام این عوامل معمولاً با پیوند با عامل سرزمین سبب به وجود آمدن یک کشور با یک قدرت سیاسی مشخص زیر لوای این هویت واحد می‌گردند. هرچند که بسیاری از کشورهای دیگر نیز وجود دارند که براساس عامل‌های دیگری شکل گرفته‌اند. به عنوان مثال می‌توان کشور سوئیس را به عنوان نمونه بیان نمود. مردم سوئیس با وجود متفاوت بودن از نظر نژاد، مذهب و زبان بر اثر همبستگی اقتصادی توانسته‌اند یک ملت و یک کشور واحد را تشکیل دهند از نگاه دیگر نیز می‌توان گفت که سرزمین مشترک می‌تواند یکی دیگر از عوامل تشکیل کشور باشد مانند کانادا و ایران. بنابراین مشاهده می‌گردد که عوامل مهمی وجود دارند که می‌تواند در یک سرزمین را علاقمند به تشکیل یک حکومت سیاسی بگرداند، اما همواره در این میان گروه یا گروه‌هایی وجود دارد که از نظر مذهبی، نژادی، زبانی، قومی و ... با دیگر مردم یک کشور متفاوت بوده و مرام سیاسی گروه دیگر را دنبال نمی‌کنند. هرچند که بسیاری بر این عقیده‌اند که با پیچیده‌تر شدن روابط انسان‌ها و تعاملات بیش از حد آدمیان، ازدواج، گسترش ارتباطات و اختلاط نژادی که میان افراد و اقوام مختلف در سرتاسر جهان صورت گرفته است، دیگر، انواع نژادها در هم آمیخته شده‌اند به طوری که نژادی خالص براساس نوع پوست و سایر مشخصات فیزیکی همین باقی نمانده و پرداختن به مسئله نژاد اهمیت پیشین خود را از دست داده است. اما ما بر این عقیده نیستیم و حتی نژاد را همچنان یکی از مهمترین عوامل در ساختار جامعه، شکل‌گیری قومیت‌های مختلف و در ابعاد گوناگون آن به شمار می‌آوریم. اختلاط نژادی میان افراد و قومیت‌های مختلف حتی در برخی موارد موجب شکل‌گیری افرادی با ویژگی‌های جسمی یا فیزیکی معین، فرهنگ و سبک زندگی خاصی گردیده است، حال سؤال این پیش می‌آید که آیا این افراد در حقوق بین‌الملل دارای حقوقی نمی‌باشند؟ آیا این افراد در صورت تضییع شدن حقوق فردی و گروهی خود قادر به احقاق حق در مراجع بین‌الملل نبوده و سازمان‌های بین‌المللی این افراد را در انزوای حقوقی قرار می‌دهند؟ صدام حسین به اختلاط نژادی در برخی مناطق کوردنشین^۲ دست زد، این نوع جنایت برای تغییر سرشت یک فرد، نابودی کامل کوردها و به وجود آمدن افرادی با مشخصات فیزیکی معین بود و رویه‌ی

۱ - میر حیدر مهاجرانی، دره، منبع پیشین، ص ۱۲۹

۲ - نوشتن واژه‌ی کورد به این صورت صحیح بوده و در تمامی کتاب به این صورت می‌باشد.

استعمارگران در رواندا از تلفیق نژادی نیز به وجود آوردن مردمانی با مشخصات فیزیکی معین و بعد سلطه‌ی هرچه بهتر بر این کشور و در نهایت پاکسازی نژادی در این سرزمین بود. در فصول این کتاب به بررسی حقوق اقلیت‌های نژادی در کنوانسیون‌های بین‌المللی می‌پردازیم. کنوانسیون حذف کلیه‌ی اشکال تبعیض نژادی و کنوانسیون منع و مجازات آپارتاید و تعهدات دولت‌ها را در این کنوانسیون‌ها را بررسی خواهیم کرد. حقوق اقلیت‌های نژادی در این کنوانسیون‌ها را تشریح و به بیان آن می‌پردازیم. با تمام این تفاسیر روشن است که بررسی رویه‌های قضایی، اسناد و معاهدات بین‌المللی و تحقیق در مورد حقوق اقلیت‌های نژادی با توجه به محدودیت‌ها و عدم وجود تحقیقات جامع در این مورد کاری بس مشکل می‌نماید. نگارنده در این کتاب سعی نموده که تا حد امکان از تمامی کتب، مجلات، متن سخنرانی اساتید و دولت مردان در همایستار کنکاو و اسناد و معاهدات بین‌المللی بهره‌برد.

عادل محمدی

محقق دوره دکتری حقوق بین‌الملل عمومی

و مدرس دانشگاه

مقدمه

حقوق بین الملل مجموعه‌ی قواعد و مقرراتی است که توسط تابعان فعال حقوق بین الملل وضع و بر جامعه‌ی بین المللی حاکم می‌باشد. این قواعد و مقررات حاکم بر تمام جامعه‌ی بین الملل است نه حاکم بر دولت، دین، سازمان، ملت یا قومی خاص. فعالان حقوق بین الملل بر آنند که قواعدی تنظیم و تبیین نمایند که عملاً بشمول بوده و در راستای ماده‌ی اول منشور ملل متحد، صلح، امنیت، همکاری‌های بین‌المللی را نامیر نمایند. در طول تاریخ گه گاهی شاهد جنگ و درگیری بین گروه اکثریت و گروه‌های اقلیت از جوامع اقلیت‌های نژادی بوده ایم. به نظر می‌رسد که قواعد حمایتی از ابتدا تنها مختص به اقلیت‌های مذهبی بوده و کشورها اگر چهارچوبی حمایتی در نظر می‌گرفتند تنها برای اقلیت‌های مذهبی به کنایه مهاجر در آن سرزمین بوده است. در میان بحبوحه‌ی جنگ جهانی اول و حتی پس از تشکیل جامعه‌ی ملل نیز توجه به حقوق اقلیت‌های نژادی در سایه‌ی جنگ ابر قدرت‌های دنیا برای سیطره بر جهان نادیده گرفته شد. با تشکیل سازمان ملل متحد و پس از دوران موسوم به دوران جنگ سرد و حاکم شدن آرامشی نسبی بر جهان، رفته رفته اختلافات داخلی کشورها بین گروه اکثریت و اقلیت‌های ساکن در کشورها نمود بیشتری پیدا کرد.

دولت‌های حاکمه حاضر به پذیرش قواعدی نرم و انعطاف پذیر، شناسایی و اعطای حقوقی بیشتر به اقلیت‌های نژادی ساکن در سرزمین خود به عنوان شهروندان عادی هم شأن با سایر ساکنین نبودند. این عوامل و حتی در بسیاری موارد انکار وجود اقلیت‌ها به طور کلی سبب ریشه دارتر شدن اختلافات و حتی در بسیاری از موارد تبدیل این اختلافات و خواسته‌ها به روابط خصمانه‌ی فی مابین اکثریت و اقلیت گردید.

نادیده گرفتن خواسته‌های گروه‌های نژادی توسط دولت‌ها و حتی جامعه‌ی بین‌المللی سبب کشته و آواره شدن هزاران زن، مرد و کودک بیگناه در چهار گوشه‌ی دنیا گردیده است. شاید به نوعی بتوان گفت که حتی احساس جمعی جامعه‌ی بین‌المللی برای تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی پس از جنایات واقع شده نسبت به اقلیت‌های نژادی و قومی و سکوت معنادار جامعه‌ی بین‌المللی به این موارد صورت گرفت.

مهمترین اقدام سازمان ملل متحد در زمینه‌ی توجه به حقوق اقلیت‌های نژادی تبیین کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض نژادی و کنوانسیون منع و مجازات تفکیک نژادی بوده است. در سالهای بعد حمایت از اقلیت‌ها شکل تازه‌ای به خود گرفت و کنوانسیون‌ها و اعلامیه‌هایی در جهت حمایت از نژاد و فرهنگ اقلیت‌های قومی، ملی، زبانی، مردمان بومی و ... شکل گرفت. با پیشرفت قانون اساسی شدن زبان و التزام کشورها به رعایت اصول و مبانی حقوق بین‌الملل، حمایت از اقلیت‌ها نیز بیشتر گردید، هرچند که این مسئله همواره بر اساس منافع موجود ابرقدرت‌ها صورت گرفته است.

فعالان حقوق بشر و عالمان حقوق بین‌الملل همواره در تلاش برای آنند که قواعدی نرم و انعطاف پذیر تبیین نمایند که هم دولت‌های توسعه‌نم نسبت به قبول آن تمایل بیشتری از خود نشان دهند و هم این قواعد بتواند خواسته‌های مشروع اقلیت‌های نژادی را تأمین نماید. قواعدی که تنظیم آن خواهد توانست به طوری گسترده موجب گسترش احساس امنیت بین‌المللی گردد. با آنکه در بسیاری از کنوانسیون‌ها و مقاولنامه‌های بین‌الملل واژه‌ی اقلیت نژادی بیان گردیده اما در هیچ کدام از آنها تعریفی از اقلیت نژادی ارائه نگردیده است. مقننین به رنج نکرده‌اند که چه گروه‌هایی را می‌توان به عنوان اقلیت‌های نژادی مورد شناسایی قرار داد و حقوق متعلق به آنها در چه حوزه‌هایی می‌باشد.

به نظر می‌رسد با توجه به نگرش سیاسی دولت‌ها که نمایندگان آنها در مجامع بین‌المللی واضعان قواعد حقوق بین‌الملل می‌باشند، این مهم تنها بتواند با توجه به دکترین بین‌المللی حل گردد. این وظیفه‌ی خطیر بر عهده‌ی علمای حقوق بین‌الملل است که چارچوب و مبانی حقوق اقلیت‌های نژادی را با توجه به ساختار حقوق بین‌الملل تبیین و تحلیل نمایند. توجه به حقوق اقلیت‌های نژادی یکی از موضوعات بسیار مهم حال حاضر محافل علمی - حقوقی جامعه‌ی

بین‌المللی است. چه گروه‌هایی را می‌توان به عنوان اقلیت‌های نژادی تعریف کرد؟ حقوق اقلیت‌های نژادی با توجه به حقوق بین‌الملل کدامند و دولت‌ها تا چه میزانی متعهد به رعایت این قواعد حقوقی اند؟

چگونه می‌توان با توجه به چهارچوب کلی حقوق بین‌الملل قواعدی حمایتی برای اقلیت‌های نژادی تنظیم کرد که هم مورد قبول حکومت‌ها باشد و هم مورد قبول گروه اقلیت‌ها؟ چگونه می‌توان روابط خصمانه‌ی موجود میان اکثریت و اقلیت را با توجه به مبانی حقوق بین‌الملل و قواعد حقوق بشر به سازش و مصالحه تبدیل کرد؟ شاید با پاسخی حقوقی به این مسائل راحت‌تر بتوان جوانب کلی، مسائل و مشکلات اقلیت‌های نژادی را بررسی کرده و دیگر شاهد روابط خصمانه بین دو طرف و کشتاری دیگر در جهان باشیم.

دکتر سید باقر میرعباسی (تنگابنی)

استاد تمام دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

تهران، ۱۳۹۴/۱۰/۸ سالروز ولادت نبی مکرم اسلام (ص)